

دوره نهم

رمضان - شماره شانزدهم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

تحلیل پیام های قرآنی در ماه مبارک رمضان - بخش اول

پیام اول قرآنی: ضرورت تزکیه نفس

مقدمه

گستره هرچند سیر سلوک، تهذیب و تزکیه نفس و همچنین تامل و درنگ در پیام های قرآنی زمان خاصی ندارد و انسان بایست پیوسته در حال مراقبه، تهذیب و تزکیه نفس، و در حال تامل پیرامون پیام آیات قرآنی باشد، ولی از آنجایی که ماه رمضان در همان حال که ((ماه ضیافه الله)) است، ماه ((ربیع القرآن)) و نزول دفعی حقیقت ملکوتی قرآن، بر قلب پیامبر گرامی اسلام ﷺ است.

از این فرصت نورانی و استثنایی استفاده کرده به تحلیل و تفسیر پیام و موضوع قرآنی که جنبه عرفانی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی، داشته و از موضوعات روز جامعه است می پردازیم:

پیام اول قرآنی: ضرورت تزکیه نفس

پیام اول قرآنی در سلوک و صعود معنوی و عرفانی ((تهذیب و تزکیه نفس))، مهار کردن تمایلات غریزی و نفس سرکش کاست، برای اینکه این پیام قرآنی به درستی تحلیل شده باشد بیان چند نکته لازم و ضروری است.

نکته اول: به دلایل متعدد قرآنی و روایی، گام اول در سلوک، ((تهذیب و تزکیه نفس)) است:

دلیل اول: بر اینکه پله اول از سلوک و صعود و پیدا کردن به عالم معنا و عالم قدس ((تهذیب و تزکیه نفس)) آیات یکم تا یازدهم از سوره شمس است که در این آیات خداوند یازده بار ((قسم)) خورده است ((الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا (۱) وَ الْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا (۲) وَ النَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا (۳) وَ اللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) وَ السَّمَاءُ وَ مَا بَنَاهَا (۵) وَ الْأَرْضُ وَ مَا طَحَّاهَا (۶) وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷) فَالْهَمَّهُمَا فُجُورَهُمَا وَ تَقْوَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)): به خورشید و گسترش نورت آن سوگند، (۱) و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید، (۲) و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد، (۳) و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، (۴) و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده، (۵) و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، (۶) و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، (۷) سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، (۸) که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده (۹) و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! (۱۰)

دلیل دوم: بر اینکه از منظر قرآن راه صعود به عالم معنا تهذیب و تزکیه نفس است، این است با وجود اینکه حق تعالی نعمت زیادی در اختیار بشر قرار داده که انسان بتواند ادامه حیات بدهد که برخی از این نعمت ها چون ((مغز، قلب)) آنچنان حیاتی است که اگر از انسان سلب شود ادامه حیات از انسان گرفته شود زندگیش مختل می شود ولی با این همه از درجه اهمیت در هیچ آیه ای بر انسان منت ننهاده است ولی در آیه (۱۶۴) مبارکه از سوره بقره (آل عمران) است بعثت انبیاء را به دلیل فلسفه بعثت که تهذیب

مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. ثُمَّ قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ النَّفْسَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ. (٧١)

رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) گروهی را به جنگ فرستاد. زمانی که آنان برگشتند، پیامبر فرمود: آفرین بر مردمی که جهاد اصغر را انجام دادند و جهاد اکبر مانده است. سؤال شد:، جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس و سپس فرمود: برترین جهاد، جهاد کسی است که با نفسی که در میان کالبد اوست، مبارزه کند.

نکته دوم: تهذیب و تزکیه نفس اگر بخواهد منتج به نتیجه باشد و خروجی متفاوت با ردی داشته باشد زمینه و بستر سلوک الله فراهم بشود امکان پذیر نیست مگر آنکه به صورت تدریجی یا دفعی سه منزل از منازل سلوک و سه پله از پله های تزکیه نفس طی شود.

۱- تخلیه: مقصود از منزل ((تخلیه)) آن است تمام رزائل اخلاقی همچون ((حسد، تکبر، بخل، حقد، نمایی، پرحرفی، چشم چرانی و هرزگی، غیبت، دروغ، ...)) که هریک به تنهایی موجب تباهی انسان، و مانند موشی در انبانند که می توانند عمل صالحی که به دست آمده حبط و خالی نمایند و موجب دوری از حق تعالی شوند به تدریج یا همچون بشر حافی یک باره متحول شده باطنش را از این آلودگی ها تصفیه، تطهیر و پاک نماید چرا که درباره بشر آمده است:

((بشر حافی فردی متمکن و مرفه بود. املاک و

و تزکیه آنان است منت نهاده و می فرماید: ((١٦٤)) لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ: همانا خداوند بر مؤمنان منت گذاشت که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنها تلاوت کند و ایشان را پاک کرده و رشد دهد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند که پیش از آن، قطعاً آنها در گمراهی آشکار بودند.))

دلیل سوم: بر اینکه تهذیب و تزکیه نفس نخستین پله اول ملاقات است آنست ((تهذیب و تزکیه نفس)) هدف و غرض فلسفه بعثت همه انبیاء است، چرا که در آیه (٢) سوره جمعه آمده است: ((هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ: اوست که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنها را رشد و پرورش داده (از آلودگی شرك و تفرقه پاک سازد) و کتاب آسمانی و حکمت به آنان بیاموزد و همانا پیش از این در انحراف و گمراهی آشکار بودند.))

دلیل چهارم: بر اینکه گام اول در سیر سلوک ((الی الله)) تهذیب و تزکیه نفس است روایاتی است که در این روایات جهاد بادشمن جهاد اصغر ولی تهذیب و تزکیه نفس به منزله ((جهاد اکبر)) دانسته شده است از همین رو در روایات آمده است:

۱- علی عليه السلام روایت می کند که: ((إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَعَثَ بِسِرِّيَةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا. قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

سلوک معنوی شتاب پیدا کند و در پرواز به عالم قدس و لاهوت خاموش نشود، از نقشه راهی که شرع برای سلوک تعریف کرده حرکت کند و متشرع به همان آدابی باشد که شارع در برابرش قرار داده است.

به قلم: «مبلغ نخبه حجت الاسلام و المسلمین سید محمد تقی قادری»

منبع: <https://www.balagh.ir>

غلامان و کنیزان بسیاری داشت. اکثر اوقات خود را با تفریح و خوش گذرانی سپری می کرد. روزی امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) از کنار منزل او می گذشت. ساز و آواز درون خانه بشر به گوش حضرت رسید. از کنیزکی که دم در منزل ایستاده بود، پرسیدند: این منزل از آن کیست؟ پاسخ دادند: از آن مولایم بشر. پرسیدند: او بنده است یا آزاد؟ کنیزك گفت: بنده نیست، بلکه صاحب بندگان فراوان است. حضرت فرمود: آری اگر بنده بود، این اندازه بی بندوبار نبود. بنده باید بسته به حق باشد، نه رسته از حق. بنده باید گوشش به پیام معبود باز باشد، نه به نوای ساز و آواز. این بفرمود و بفرت. کنیزك به درون خانه شتافت و جریان را با بشر در میان گذاشت. بشر از شنیدن این سخنان به خود پیچید و بلرزید و از پی حضرت روان شد، تا به حضرت رسید و توبه نصوح نمود و دیگر دامنش را به گناه نیالود. به همین جهت، تا آخرین لحظات عمر خود کفش نپوشید. از این رو، به بشر حافی - یعنی پای برهنه - ملقب شد. این گونه بازگشت، همان تخلیه دفعی است که بشر حافی توفیق آن را یافت و در عرصه تهذیب نفس موفق و پیروز شد. (منهاج الکرامه، ص ۵۹)

۲- تجلیه: مقصود و منظور از تجلیه آن ست انسان به موازات اینکه باطن و درونش از رزایل اخلاقی سبعت، بهیمیت، شیطنت تطهیر و پاک می نماید بایست خود را به فضائل اخلاقی همچون ((تواضع، حسن معاشرت، ایثار و دستگیری از محرومین، ادب و نزاکت اخلاقی آراسته و زینت بدهد و متخلق به اخلاق الهی شود.

۳- تجلیه: مقصود از تجلیه آنست برای اینکه موتور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
لِلْآلَاءِ الْعَذَابِ
الَّذِينَ يُصِيبُكَ
اللَّهُ مَرَّةً

